

جشنواره

علیرضا داوودنژاد در اختتامیه فیلم فجر:

از رسانه ملی که فیلم‌های ما را نمی‌خرد، انتظاری نداریم

● **کیانا آذر:** سی‌ونهمین جشنواره ملی فیلم فجر با وجود حواشی زیادی که داشت، بالاخره پنجشنبه، ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۹۵ با معرفی برگزیدگان به کار خود پایان داد. این مراسم فقط با یک سخنرانی همراه بود که آن هم محمد حیدری، دبیر جشنواره، انجام داد. اضافه‌شدن جایزه فیلم کوتاه به سایر جوایز، در واقع اعمال نظر رئیس سازمان سینمایی بود که بعد از بسته‌شدن جدول کاری این جشنواره از سوی دبیر جشنواره صورت گرفت. به‌همین‌دلیل در شرایط ویژه سیمرغ بلورین فیلم کوتاه به‌ کاوه مظاهری برای فیلم «روتوش» اهدا شد و قرار شد از سال آینده چنین سیمرگی به سایر سیمرغ‌ها بپیوندد.

بخش مستند
سیمرغ بلورین بهترین فیلم مستند ضمن تقدیر از مستند «از صفر تا سکو» به فیلم «متهمین دایره بیستم» به کارگردانی حسام اسلامی داده شد. سیمرغ بهترین کارگردانی مستند به یاسر خیر برای کارگردانی مستند «آهستگی» رسید. سیمرغ بهترین دستاورد فنی هم به سیدوحید حسینی برای پژوهش فیلم «بزم رزم» تعلق گرفت.

بخش رقابتی سودای سیمرغ

در بخش مسابقه سینمایی ایران جایزه بهترین عکس به امیرحسین شجاعی برای مجموعه عکس‌های فیلم «رگ خواب» اهدا شد. پس از آن سیمرغ بهترین چهره‌پردازی به ایمان امیدواری برای «زیر سقف دودی»، سیمرغ بهترین جلوه‌های بصری به مهدی قاسمی برای «ویلائی‌ها»، سیمرغ بهترین جلوه‌های ویژه میدانی به آرش آقاییک برای فیلم‌های «خفگی»، «رگ خواب»، «یک روز بخصوص»، سیمرغ بهترین طراحی صحنه و لباس به بهزاد جعفری‌طادی برای «ماجرای نیمروز»، سیمرغ بهترین صداپردازی به پرویز آنباز برای «فراری» تعلق گرفت. در ادامه سیمرغ بهترین صداگذاری به سیدعلیرضا علویان برای «بدون تاریخ، بدون امضاء»، سیمرغ بهترین موسیقی با تکتکر از پیمان یزدانبان برای «بدون تاریخ، بدون امضاء» به کریستف رضاعی برای فیلم «نگار» تعلق گرفت. همچنین سیمرغ بهترین تدوین به سهراب خسروی برای «تابستان داغ» و سیمرغ بهترین فیلم‌پردازی به هومن بهمنش برای «تابستان داغ» اهدا شد.بعد از آن سیمرغ بهترین بازیگر مکمل زن به ژیا قاسمی برای «ویلائی‌ها» و سیمرغ بهترین بازیگر مکمل مرد به نوید محمدزاده برای «بدون تاریخ، بدون امضاء» تعلق گرفت. سپس سیمرغ بهترین بازیگر نقش اول مرد به محسن تانابنده برای «فراری» اهدا شد. مورد عجیب از بخش بهترین بازیگر نقش اول زن این بود که سیمرگی مشترک به میرلا زارعی برای «زیر سقف دودی» و ویلا حاتمی برای «رگ خواب» اهدا شد! در ادامه، جایزه ویژه استعداد درخشان برای فیلم اول به منیر قیدی برای «ویلائی‌ها» و سیمرغ بهترین فیلم‌نامه به کامبوزیا پرتوی برای «فراری» اهدا شد. همچنین جایزه ویژه هیئت داوران جشنواره فیلم فجر به علیرضا داوودنژاد کارگردان فیلم «فراری» تعلق گرفت. یکی از مهم‌ترین سخنان را علیرضا داوودنژاد بعد از دریافت جایزه مطرح کرد. او گفت: «اینجا سوآلی وجود دارد که چرا رسانه ملی درباره جشنواره و شوروحالی که جوان‌ها دارند به‌جای حمایت، جو را متشنج می‌کند؟! این سوال، یک جواب ساده دارد. وقتی رسانه ملی فیلم‌های ما را نمی‌خرد و غیرق در فیلم‌های هالیوودی است، چطور انتظار دارید که از ما حمایت کند؟! اگر حمایت کند، می‌گویند پس چرا فیلم‌هایشان را بخش نمی‌کند؟! این را در این شرایط طبیعی بدانید که همین رسانه ملی اگر برنامه‌ای بگذارد، باید توهین و سرکوب سینمای ایران باشد، اما امیدوارم این موضع خصمانه به پایان برسد».

سیمرغ بهترین کارگردانی به وحید جلیلوند برای «بدون تاریخ، بدون امضاء» تعلق گرفت.

سپس سیمرغ بهترین فیلم هم به سیدمحمد رضوی برای «ماجرای نیمروز» اهدا شد. رضوی از تمامی هنرمندان «ماجرای نیمروز» خواست تا روی صحنه حاضر شوند و جایزه‌شان را بگیرند. همچنین سیمرغ زرین بهترین فیلم از نگاه ملی به محمود رضوی تهیه‌کننده فیلم «ماجرای نیمروز» اهدا شد.

پس از آن از منوچهر شاهسوری،مدیرعامل خانه سینما، دعوت شد تا جایزه سیمرغ مردمی را اعلام کند. منوچهر شاهسوری هم پیش از اعلام اسامی گفت: «یقین بدانید دوستان امانتدار رای مردمی بودیم و در این انتخابات انواع تهمت‌ها را شنیدیم و هیچ نگفتیم! چون فکر می‌کنیم آنجایی که باید عمل کنیم کار خودمان را انجام دادیم».

هرکدام از دوستان سینما بخواهد، به طور محرمانه آرا را برای تحلیل تقدیم آنها می‌کنیم». از دو فیلم «خوب، بد، جلف» و «اباجان» در بخش مردمی فیلم فجر نیز تقدیر شد. در این مراسم غیر از سینماگران، محمدجواد طریف، وزیر امور خارجه، سیدرضا صالحی‌امیری، وزیر ارشاد، علیر خاریعی، وزیر کار و رفاه اجتماعی، سسه وزیر حاضر در مراسم بودند که حسن فریدون، دستیار ویژه رئیس‌جمهور، معصومه ابتکار، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست و شهیندخت مولاوردی، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان، نیز حضور داشتند.

۷ اجرا جایزه «نگاه ملی و استعداد درخشان» را نپذیرفتند؟

اگر به فهرست نامزدهای این دوره جشنواره فیلم فجر دقیق‌تر نگاه کنیم، به‌راحتی مسائل روشن می‌شود. حتما دیدید که «ویلائی‌ها» در بخش بهترین فیلم‌نامه کاندیدا شد؛ یعنی خود فیلم و کارگردانی فیلم مورد توجه هیئت داوران قرار نگرفت. حالا که من فیلم بد با کارگردانی بدی ساخته بودم که لایق کاندیداتوری در این بخش‌ها نبود، بنابراین چطور می‌توانستم ناگهان شکوفا شوم و جایزه خلق‌الساعه «استعداد درخشان» را دریافت کنم؟ به نظر شما این نکته تعجب‌برانگیز نیست؟! به‌همین‌دلیل ترجیح دادم از این رقابت عجیب خارج شوم! با نظرم رسید هیئت داوران خواست با این کار متفاوت رفتار کند. در نتیجه من هم حق دارم متفاوت عمل کنم و این جایزه خلق‌الساعه را نپذیرم. طبیعی هم هست، تهیه‌کننده فیلم من نیز جایزه ملی‌ای که قرار بود به فیلم بدهند را رد کند. آخر مگر شدنی است فیلمی که عنوان «نگاه ملی» را یدک می‌کشد، کارگردانی، بازیگری، تدوین، طراحی صحنه و فیلمش بی‌ارزش باشد!! این تناقض‌ها را نمی‌فهمم. برای خودم هم معیار انتخاب بهترین‌ها در این دوره کمی متناقض به نظر می‌رسید. همین!

● **ظاهرآ دبیرخانه جشنواره فیلم فجر هم گفته شما را مبنی بر نپذیرفتن سیمرغ «فیلم از نگاه ملی» را تکذیب کرده است. اصل واقعیت چیست؟**

اصل واقعیت این است که زمان همه مسائل را مشخص می‌کند. ضمن اینکه آقای سعید ملکان، تهیه‌کننده فیلم «ویلائی‌ها»، دراین‌باره پاسخ کاملی می‌دهند.

● **۷ جدا از حواشی به‌وجودآمده درباره فیلم، اصلا به جایزه‌گرفتن فکر می‌کردید؟**

ی‌اور کنید به جایزه فکر نکردم، چون همه چیز غیرقابل‌پیش‌بینی است.

● **فیلم «ویلائی‌ها» اولین فیلم بلند سینمایی شماست. پیش از این در سینما به چه کارهایی مشغول بودید؟**

۲۰ سال است که در سینما در سمت‌های مختلف فعالیت دارم؛ منشی صحنه، دستیار کارگردان و برنامه‌ریز. شغل اصلی‌ام که بیشتر از همه هم به آن علاقه داشتم «منشی صحنه» بوده. در زمینه کارگردانی، دو، سه فیلم کوتاه، یک فیلم تلویزیونی و چند کار مستند ساختم. حالا خوشحالم که بالاخره بعد از ۱۰ سال توانستم فیلم بلندم را بسازم.

● **۷ چرا ساخت فیلم این‌قدر طول کشید؟**

سرنوشت این فیلم کمی عجیب است؛ از این سال‌ها به تمام ارگان‌ها و مراکزی که برای ساخت فیلم باید کمک می‌کردند مراجعه کردم، ولی هرکدام برای همکاری‌نکردشان دلایلی می‌آوردند! حتی در ابتدا وزارت ارشاد هم پروانه ساخت نمی‌داد. بااین‌حال خسته نشدم. چون ساختن این فیلم برایم بسیار مهم بود. به‌همین‌دلیل به‌مروز تغییراتی در فیلم‌نامه اعمال کردم، اما شالوده اصلی آن همینی است که در فیلم دیدید. آخرین پروانه ساخت را هم که گرفتم، مشارکت بنیاد سینمایی فارابی در تهیه فیلم تأیید شده بود تا آن مرحله را با آقای عسکریو پیش رفته بودم. ایشان انصافا زحمات زیادی برای فیلم کشیدند. منتها وقتی که وارد مرحله تولید شدیم، کمی به‌لحاظ مالی تردید کردند و گفتند با بودجه فارابی کار جمع نمی‌شود که صحبت ایشان هم کاملا درست

گفت‌وگوی اختصاصی «شرق» با «منیر قیدی»، کارگردان فیلم «ویلائی‌ها»

فیلمی که ساختش ۱۰ سال طول کشید



منشی از فیلم «ویلائی‌ها»، عکس: امیرحسین شجاعی

فرانک آرتا

سی‌ونهمین جشنواره فیلم فجر هم پایان یافت. با همه نقاط قوت و ضعفش، اما آنچه باقی می‌ماند فیلم‌هاست؛ حتی اگر فیلم‌هایی که سیمرغ نگرفته باشند! واقعیت این است که تاریخ سینما مملو است از فیلم‌هایی که در زمان خود ارج ندیده‌اند، ولی در گذر زمان ارزش‌های آنها شکوفا شده. مهم این است که منتقدان نژیین دست به چنین امر مهمی بزنند که خوشبختانه سینمای ایران منتقدان ارزشمند کم ندارد، اصلا فیلم‌ها کشف منتقدان است. به‌همین‌دلیل باید بیش از پیش منتقدان سینما را جدی گرفت. یکی از فیلم‌های قابل‌بحث و خوب این دوره جشنواره، فیلم «ویلائی‌ها»، به کارگردانی منیر قیدی است. خانم قیدی در نخستین فیلم خود به جسارتی ستودنی دست زد و درباره زنان به متن جنک رفته فیلم خوب و قابل‌تأملی ساخت. ناگفته‌های جنک عراق علیه ایران بسیار زیاد است و دردمندی و سختی‌های زنان ما در این دوره بحرانی در کشورمان همچنان نادیده و ناشنیده. این فیلم شروع خوبی است برای گفتن درباره زنان. امید است زنان ما بعد از این فیلم بیشتر در سینما دیده شوند؛ زنان هوپزه، زنان سوسنگرد، زنان خرمشهر و آبادان و تمام زنانی که ناله‌ها و دردهایشان به وسعت تاریخ همچنان پنهان است. با منیر قیدی گفت‌وگوی کوتاهی انجام دادیم که می‌خوانید:

بود و دوستانه کار را به آقای ملکان واگذار کردند و خودشان همچنان در سمت مشاور کارگردان حضور داشتند. ایشان خیلی به ما کمک و لطف کردند.

● **۷ که کم‌چه‌هایی؟**

از لوکیشن بازدیدی کردند و پیشنهادات خوبی داشتند. فقط هنگام فیلم‌برداری حضور نداشتند. چون ماه مبارک رمضان بود و ایشان به دلیل روزه نتوانستند در صحنه حضور داشته باشند. چون واقعا آن زمان هوا گرم و گاهی غیرقابل‌تحمل بود. ● **۷ چطور شد سعید ملکان تهیه‌کنندگی کار را در ادامه عهده‌دار شدند؟**

آشنایی من با ایشان به حدود ۲۰ سال قبل که شروع کارم بود مربوط می‌شود. ایشان آن زمان دستیار گریمر نام‌آشنا، آقای بیژن محتمش، بودند و من منشی صحنه و در کارهای تاتارهای تلویزیونی همکاری می‌کردیم. ضمن اینکه در چند فیلم آقای مجیدی و کارهای دیگر با هم کار کرده بودیم، در جریان فیلم‌نامه من بودند و بعد هم خوشبختانه تهیه‌کنندگی کار را پذیرفتند. آقای ملکان به‌عنوان تهیه‌کننده فوق‌العاده بودند. ۲۰ سال است که در سینما حضور دارم اما کسی مثل ایشان را ندیده بودم. شاید هم در ۱۰ سالی که کار نکردم‌ام تهیه‌کننده‌ها تغییر کرده‌اند. گذشته از آن، واقعا گروه فوق‌العاده

نکته



سرنوشت این فیلم کمی عجیب است؛ از این سال‌ها به تمام ارگان‌ها و مراکزی که برای ساخت فیلم باید کمک می‌کردند مراجعه کردم، ولی هرکدام برای همکاری‌نکردشان دلایلی می‌آوردند!

فوق‌العاده بودند. ۲۰ سال است که در سینما حضور دارم اما کسی مثل ایشان را ندیده بودم. شاید هم در ۱۰ سالی که کار نکردم‌ام تهیه‌کننده‌ها تغییر کرده‌اند. گذشته از آن، واقعا گروه فوق‌العاده

در شصت‌وهفتمین آیین گشایش جشنواره فیلم برلین ثبت شد؛

شب ضد ترامپ در برلین

وروهوفن، رئیس هیئت داوران، نیز گفت: او طرفدار حقوق زنان است و امید و شجاعت را نشان می‌دهد، اما انگار زنان باید نقش‌های دیگری را انجام دهند. و یک طعنه دیگر با اشاره به موفقیت فیلم «تونی اردمان» نیز زد: این فیلم درباره یک مرد مسن است که یک مدل موی عجیب و رابطه پرردسری هم با دخترش دارد- دقیقا مثل آنچه آمریکا دوست دارد. مونیکا گروتز، مسئول فرهنگ و رسانه آلمانی و میشل مولر، شهردار برلین، با حضارن درباره صنعت داخلی فیلم صحبت کردند. گروتز با نقل‌قولی از جان اف کندی، رئیس‌جمهوری اسبق آمریکا، مبنی بر اینکه «ایش بین برلینرو» (من برلینی هستم) به میهمانان



جزئیات دقیق بود. اما در فیلم بسیاری از جزئیات حذف شد. چون زمان فیلم خیلی طولانی می‌شد. مثلا شخصیت‌هایی داشتیم که الان در فیلم نیستند. پایه فیلم بر مبنای یک فیلم‌نامه دقیق و با جزئیات بود منتها روش من هنگام اجرا به گونه دیگری بود. مثلا به بازیگر می‌گفتم موضوع فلان سکانس این است و تو خودت ببین چطور باید بازی کنی و چه بگویی، او هم پیشنهادات خودش را می‌داد. درنهایت به این نتیجه می‌رسیدیم که کدام برای فیلم بهتر است. مثلا یک روز به بازیگر می‌گفتم باید چه کار کند و او پیشنهاد دیگری می‌داد. بعد که پیشنهاد او را انجام می‌دادیم می‌دیدم بد نیست و با هم یک صحنه جدید را به وجود می‌آوردیم. حتی فیلم‌بردار با طرح صحنه هم پیشنهاداتی می‌دادند. در لوکیشن‌مان از ساعتی به بعد نمی‌شد رو به یک زاویه فیلم‌گرفت از طرفی نمی‌شد که کار را تعطیل کرد. انگار همه چیز دست‌به‌دست هم داده بود که این کار از درون رشد کند و خودش به بهترین شکل پیش برود. گاهی شما فکر می‌کنید باید در برابر موانع بایستید اما می‌دیدیم که چقدر کارها بهتر پیش می‌رود. درواقع اینها درخت‌هایی هستند که ریشه‌شان در فیلم‌نامه است. بنابراین کاری که می‌کردم این بود که هر جا می‌دیدم ریشه بیرون زده، آن را هرس می‌کردم.

● **اصلا ایده قصه از کجا آمد؟**

شاید باورتان نشود. یکی از دوستانم به طور اتفاقی خاطره‌ای تعریف می‌کرد و همان زمان جرقه شروع این فیلم در ذهنم زده شد. می‌گفت زمان جنگ جایی بودیم که راننده ماشینی خبر شهادت همسران رزمندگان را برای خانواده‌شان می‌آورد. با خودم گفتم مگر می‌شود یک‌سری زن با تصمیم خودشان به جایی بروند و در خطر باشند فقط به دلیل اینکه به همسرانشان نزدیک باشند. حتی دوستم یادآور شد که همسران شهید نوری، شهید همت و... هم آنجا بودند. این ایده

را پیگیری و با این افراد شروع به مصاحبه کردم. بعد از چند ماه دیگر جمع‌آوری خاطرات شدم. در ابتدا هر یک از این بانوان با فاصله‌ای همراهی می‌کردند. طول کشید تا با آنها صمیمی شوم و به احساسات واقعی‌شان برسم. براساس این خاطرات، یکی، دو شخصیت اصلی فیلم‌نامه به وجود آمد. آنها آدم‌هایی یکدست بودند که در یک جبهه حضور داشتند. مجبور شدیم برای اینکه قصه به‌خوبی پیش برود شخصیتی را داشته باشیم که ساز مخالف بزند. جالب است؛ بارها این قصه را کنار گذاشتم، اما شرایطی پیش می‌آمد که مثلا از جایی به من زنگ می‌زدند که هفت سال قبل فیلم‌نامه را به آنها داده بودم، تماس می‌گرفتند و دوباره این رفت‌وآمد ادامه پیدا می‌کرد. زمانی که این افراد مصاحبه کرده بودند فرزند ی نداشتیم، اما الان فرزند من ۹ساله است؛ مثلا گاهی که برای فرزندم آشپزی می‌کردم پیش خودم فکر می‌کردم الان اگر خانم خیری بود چه می‌کرد. همین‌طور در ذهن خودم درگیر این قصه بودم و با آنها زندگی می‌کردم؛ مثلا فکر می‌کردم این افراد بعد از شهادت همسرانشان چطور زندگی کردند. وقتی در آن موقعیت قرار می‌گیرم واقعا احساس می‌کنیم که جنگ را ندیده‌ایم. اتفاقا یکی از همسران شهید که با ایشان صحبت کرده بودم، جمله‌ای به من گفت که خیلی روی من تأثیر گذاشت و باعث شد به خودم بگویم باید این فیلم را بسازم. ایشان می‌گفت: «من یک‌بار فرصت زندگی داشتم و جنگ این یک‌بار را از من گرفت».

جمله ایشان برای من تکان‌دهنده بود!

نوعی نگاه

دل‌اویس تلویزیون

حبیب الله معظمی
پژوهشگر و مدرس رسانه

● نظارت بر امور جامعه یکی از رویکردها یا کارکردهای اصلی رسانه‌ای مثل تلویزیون است. مفهوم نظارت در درون خود معنای پرهیز از جانبداری به‌نفع یک طرف این امور و وارد مناقشه طرفین یا طرف‌های یک امر جامعه به معنای طرفداری از یکی علیه دیگری‌نشدن را دارد. از آنجا که صداوسیما، رادیو و تلویزیونی است که از منابع عمومی و مالیات ملت تأمین بودجه می‌شود، (و هم مطابق با قانون اساسی جمهوری اسلامی) به این خاطر رسانه‌ای ملی و متعلق به ملت است و باید باشد. به همین لحاظ حق است که نسبت به عملکرد این سازمان که محصول هزینه منابع ملی است، حساس بود و مهم‌تر اینکه امروزه وجود و لزوم وجود رادیو و تلویزیون ملی به‌عنوان رسانه‌ای برای حراست از هویت، اندیشه و جغرافیای ملی و نیز مقوم همبستگی و همدلی ملت، امری بدیهی و تردیدناپذیر است و در این راستاست که دقت در سلامت رفتار این رسانه معنا می‌یابد. در این میان اعتماد مخاطب و مردم به رسانه، بزرگ‌ترین و مهم‌ترین منبع اعتباربخش برای آن رسانه قلمداد می‌شود و یکی از راه‌های تقویت این اعتماد و به‌ویژه یکی از ابزارهای قوام‌بخش آن، لزوم وجودداشتن رسانه و کارکرد صحیح آن است، چند روز اخیر مصادف با سی‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر، نقطه‌عطفی در تاریخ صداوسیما به ثبت رسید و تلویزیون اضافه بر حوزه سیاسی و روابط پرمسئله‌اش با دولت و بی‌طرفی در این حوزه، برای نخستین‌بار با همین رفتار بی‌طرفانه‌اش، به‌طور جدی وارد عرصه فرهنگ هم شد که قبلا به این صورت سابقه نداشته است. میدان‌دار این حرکت تلویزیون، برنامه هفت شبکه سوم و مجری این حرکت؛ بهروز افخمی کارگردان شناخته‌شده سینماست که مدتی هم فعالیت سیاسی رسمی داشت و اکنون به‌شدت در مظان حرکت‌های میکروسیاسی در حوزه سینما با استفاده از مدیوم تلویزیون است. برنامه هفت و مجری آن از همان آغاز جشنواره امسال به تقابل و انتقاد و بعضا اتهام علیه نه‌تنها جشنواره بلکه هیئت داوران جشنواره، رئیس سازمان سینمایی و وزیر ارشاد و دولت برخاست و به‌این‌ظان این طنز را مذهب بود، که سیما مانند حوزه سیاست که بارها تریبون دل‌اویسی بوده، این بار مأمن دل‌اویسان کوچانده‌شده به حوزه فرهنگ شده است. روی سخن من با رئیس و مسئولان سازمان صداوسیما و تصمیم‌گیران بیرون آن است که برنامه «هفت» در ایام جشنواره سی‌ونجم برخلاف معنای متداول و تعریف‌شده «هفت» در موارد متعدد اقدام به نقد نمی‌کرد بلکه متوسل به «فرامتن» می‌شد. اینکه مجری هفت، داوران را دوتابعیتی و متأثر از مناقق‌ا بخواند، اینکه مجری هفت کارگردان برنده سیمرغ را درویش بخواند و بالاخره اینکه منتقد همیشه حاضر این برنامه، وزیر ارشاد را نفهم (نقدنفهم) بخواند با کدام اصول نقد به مذهب نقد یعنی نقدی که به خود متن و اثر هنری می‌پردازد، سازگار است. بدیهی است که به سیاست‌گذاری‌های مدیریت سینما و جشنواره فیلم و اجرای آنها مانند هر امر اجرایی و زمینی انتقاد وارد است که همیشگی تمام ادوار جشنواره بوده و شاید این دوره هم بیشتر؛ اما قطعا تداوم برنامه هفت با این رویه‌های جنجالی و شخصی‌سازی نقد و ورود به فرامتن و امور فردی به نفع سینمای ملی نیست که نیاز به همدلی دارد. به‌خصوص در روزهایی که مدیریت جدید کاخ سفید ملت ما را با تهدیدهای رو به تزايد روبه‌رو می‌کند، و سینما مانند سم برای انسجام و یکپارچگی ملی است. بدترین رویکرد تلویزیون در جریان جشنواره سی‌ونجم تلاش برای قطعی‌سازی تحت لوای نقد بود، و هفت این رویه را در شب ۲۲ بهمن (به‌عنوان نماد همبستگی و روز ملی و روز راهپیمایی عمومی) در حالی تداوم بخشید که نشان می‌دهد همچنان در بر یک پاشنه می‌چرخد و به این خاطر اگر صداوسیما در اندیشه تقویت اعتماد مخاطب و اهالی سینما و کمک به انسجام ملی است، باید این دل‌اویسی اهالی فرهنگ را پاسخ دهد و این رویه را به هر طریق از هفت دور کند.

قالب

واگذاری دبیری سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر به دولت بعدی
● **شرق:** رئیس سازمان سینمایی انتخاب دبیر سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر را به دولت بعدی واگذار کرد. حجت‌الله آبوبی، در جمع خبرنگاران گفت: «این موضوع که دو بانوی بزرگ سینمای ایران دو سیمرغ گرفته‌اند، به نظرم اصلا حاشیه نیست. آقای حیدری کم‌اکان دبیرخانه را هدایت می‌کند. با توجه به اینکه دبیرخانه جشنواره فیلم فجر نامی شده، محمد حیدری در دبیرخانه مستقر است تا دبیر دوره بعدی از سوی دولت بعدی مشخص شود».